



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۱ اسفند ۱۳۹۲

موضوع کلی: صحیح و اعم

موضوع جزئی: امر هفتم: تصویر جامع (مقام دوم: وجوه تصویر جامع - وجه سوم و بررسی آن) مصادف با: ۱۰ جمادی الاولی ۱۴۳۵

جلسه: ۹۱

سال: پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

وجه سوم:

وجه سوم از وجوه تصویر جامع این است که ما یک جامع عنوانی را ارائه دهیم. در دو وجه قبلی جامعی که تصویر شد جامع عنوانی نبود، وجه اول که از طرف محقق خراسانی ارائه شد این بود که جامع یک امر بسیط مقولی است، یعنی جامع یک امر ذاتی و حقیقی بود ولی در این تصویر جامع یک امر حقیقی مقولی نیست بلکه یک جامع عنوانی است؛ مثلاً عنوان ناهی از فحشاء و منکر در مورد صلاة، یعنی بگوئیم لفظ «صلاة» برای ما هو الناهی عن الفحشاء و المنکر وضع شده است، یعنی همه افراد صحیح نماز را در این عنوان جمع کنیم و بگوئیم لفظ صلاة برای یک عنوانی که همه افراد صحیح نماز را در بر می گیرد وضع شده است. طبق این تصویر هیچ اشکالی از این ناحیه متوجه این جامع نمی شود که مثلاً افراد صحیح نماز در مراتب مختلف از مقولات متباینه تشکیل شده اند و نمی شود یک جامع ذاتی بین آنها تصویر کرد، چون در جامع عنوانی لازم نیست افراد صحیح دارای اتحاد ماهوی و ذاتی باشند، معنای جامع ذاتی و حقیقی این است که یک اتحاد ذاتی و حقیقی بین افراد وجود دارد، یعنی در ماهیت متحد هستند و اختلاف به عوارضی است که بر آنها عارض می شود و به همین جهت کلام محقق خراسانی مورد اشکال قرار گرفت که نمی توان بین مراتب مختلف از نماز صحیح و حتی در یک مرتبه از نماز صحیح یک چنین جامع ذاتی و ماهوی را فرض کرد چون نماز حتی در مرتبه واحده از اجزاء تشکیل شده که همه آنها مقولات متباینه هستند، بنابراین آن اشکالاتی که بر کلام محقق خراسانی وارد بود بر این وجه وارد نیست چون جامعی که در اینجا تصویر می شود جامع عنوانی است و در جامع عنوانی به هیچ وجه اتحاد ماهوی و حقیقی لازم نیست و تنها چیزی که لازم است این است در آن عنوان با هم مشترک باشند.

این وجه از بسیاری از اشکالاتی که متوجه وجه اول و وجه دوم بود مصون است چون طبق وجه اول، جامع یک امر بسیط مقولی بود و طبق وجه دوم هم جامع صرف مرکب است، نه جامع حقیقی است نه جامع عنوانی ولی طبق وجه سوم جامعی که در اینجا تصویر می شود یک جامع عنوانی است که همه افراد صحیح را در بر می گیرد. این وجه در کلمات مرحوم آقای خوبی آمده و ایشان فرموده چنین وجهی هم برای تصویر جامع ممکن است لکن ایشان در ادامه می گوید: این وجه به خلاف وجوه سابق ممکن است - اشکال وجه اول و دوم این بود که این دو وجه معقول نیست - ولی اشکالاتی هم بر آن وارد است.

بررسی وجه سوم:

چند اشکال بر این وجه از تصویر جامع وارد است:

اشکال اول:

اشکالی را مرحوم آقای بروجردی به محقق خراسانی ایراد کرد که ما قبلاً به آن اشاره کردیم، اشکال این بود که ما نمی‌توانیم بگوییم الفاظ عباداتی مثل صلاة برای چیزی که اثر ناهی از فحشاء و منکر بودن را دارد وضع شده است، چون اگر این را بگوییم معنایش این است که بین لفظ صلاة و عنوان ناهی از فحشاء و منکر مترادف باشد و این قابل قبول نیست. پس اشکال مرحوم آقای بروجردی به محقق خراسانی این بود که اگر بگوییم جامعی که تصویر می‌شود یک امر بسیط مقولی است معنای «ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر» این است که گفته شود «ان ما تنهى عن الفحشاء والمنکر تنهى عن الفحشاء والمنکر» پس لازمه آن این است که لفظ «صلاة» مرادف با معنای الناهی عن الفحشاء و المنکر شود و این قابل قبول نیست. البته ما این اشکال را رد کردیم و گفتیم این اشکال متوجه مرحوم آخوند نیست، چون مرحوم آخوند نمی‌گوید لفظ «صلاة» برای عنوان ناهی از فحشاء و منکر وضع شده بلکه می‌گوید «صلاة» برای یک چیز مبهم وضع شده که این اثر آن است ولی اشکالی که مرحوم آقای بروجردی بر وجه اول ایراد کرد و ما از آن پاسخ دادیم بر این وجه (وجه سوم) وارد است، اگر کسی جامع را خود عنوان قرار دهد و ادعا کند جامع یک جامع عنوانی است که عبارت است از عنوان «الناهی عن الفحشاء و المنکر» این اشکال وارد است که لازمه این وجه این است که بین لفظ صلاة و عنوان ناهی از فحشاء و منکر مترادف باشد، وقتی شما می‌گویید لفظ «صلاة» برای عنوان «الناهی عن الفحشاء و المنکر» وضع شده قهراً باید بگویید «ان الصلاة تنهى عن الفحشاء و المنکر» به این معناست که «ان ما تنهى عن الفحشاء و المنکر تنهى عن الفحشاء و المنکر» و این قابل قبول نیست.

اشکال دوم:

اگر بگوییم الفاظ عبادات و معاملات برای یک جامع عنوانی وضع شده‌اند و موضوع‌له این الفاظ جامع عنوانی است پس باید استعمال این لفظ در غیر این عنوان استعمالی مجازی باشد، چون استعمال حقیقی عبارت است از استعمال لفظ فی ما وضع له و استعمال مجازی عبارت است از استعمال لفظ فی غیر ما وضع له، حال اگر موضوع‌له عبارت از جامع عنوانی باشد هر نوع استعمال این الفاظ در غیر جامع عنوانی استعمال مجازی خواهد بود. بر این اساس اگر لفظی مثل لفظ «صلاة» که برای عنوان «الناهی عن الفحشاء و المنکر» وضع شده در خود معنون استعمال شود این استعمال باید استعمال مجازی باشد. چون ما اینجا یک عنوان داریم که «الناهی عن الفحشاء و المنکر» است و یک معنون هم داریم که ذات صلاة است، خود ذات صلاة معنون به عنوان «الناهی عن الفحشاء و المنکر» است، یعنی ذوات صلاة یومیه، صلاة جمعه، صلاة عید، صلاة میت و امثال آن معنون به عنوان «الناهی عن الفحشاء و المنکر» هستند، اگر موضوع‌له لفظ صلاة این عنوان باشد لازمه‌اش این است که اگر این لفظ در خود این معنون و ذوات استعمال شود این استعمال، مجازی و استعمال در غیر ما وضع له باشد در حالی که چنین چیزی صحیح نیست و هیچ کس نمی‌گوید استعمال لفظ «صلاة» در معنون در خود این اعمال با قطع نظر

از عنوان «الناهی عن الفحشاء و المنکر» استعمال مجازی است و کسی هم نگفته این استعمالات به قرینه و عنایت و تسامح واقع شده است.

اشکال سوم:

اگر ما بپذیریم الفاظ عبادات و معاملات برای یک جامع عنوانی وضع شده‌اند لازمه‌اش این است که در مواقع شک در جزئیت شیء برای مأمور به قاعده اشتغال رجوع شود در حالی که مشهور که قائل به وضع این الفاظ برای صحیح هستند در این موارد به براءت رجوع می‌کنند نه اشتغال؛ به عبارت دیگر لازمه این تصویر از جامع مخالفت و ناسازگاری با یک مبنایی است که قائلین به وضع الفاظ برای صحیح دارند. پس این تصویر از جامع با مبنای قائلین به وضع الفاظ عبادات و معاملات برای صحیح سازگار نیست.

توضیح مطلب این که بنا بر قول به وضع الفاظ عبادات و معاملات مثل لفظ «صلاة» برای عنوان «الناهی عن الفحشاء و المنکر»، اگر ما در جزئیت سوره برای این موضوع له شک کنیم در این صورت شک در جزئیت سوره در واقع مستلزم شک در تحقق عنوان است، چون ما نمی‌دانیم نمازی که سوره ندارد ناهی از فحشاء و منکر است یا نه؟ پس شک در جزئیت چیزی در مأمور به به شک در تحقق عنوان بر می‌گردد، چون مأمور به همان عنوان است؛ زیرا طبق وجه سوم از وجوه تصویر جامع منظور از «صلاة» در «اقیموا الصلاة» عنوان «ما هو الناهی عن الفحشاء و المنکر» می‌باشد، حال اگر شک بکنیم سوره در این عنوان مدخلیت دارد یا نه در واقع شک داریم در اینکه اگر ما سوره را نخوانیم عنوان «الناهی عن الفحشاء و المنکر» تحقق پیدا می‌کند یا نه و در موارد شک در عنوان که همان شک در محصل است باید احتیاط کرد و به اصالة الاشتغال تمسک کرد، یعنی باید سوره هم خوانده شود تا یقین شود عنوان «الناهی عن الفحشاء و المنکر» تحقق پیدا کرده، پس لازمه این وجه از تصویر جامع این است که ما در موارد شک در جزئیت به اصالة الاشتغال رجوع کنیم در حالی که این با مبنای مشهور سازگار نیست، چون مشهور که صحیحی هستند در موارد شک در جزئیت به براءت رجوع می‌کنند لذا امکان ندارد کسی که صحیحی است و در موارد شک در جزئیت به براءت رجوع می‌کند در تصویر جامع بگوید جامع عبارت است از عنوان جامعی مثل «الناهی عن الفحشاء و المنکر».

ما تا اینجا سه وجه از وجوه تصویر جامع علی القول بالصحیح را ذکر و مورد بررسی قرار دادیم، چند وجه دیگر برای تصویر جامع علی القول بالصحیح باقی مانده؛ یک وجه از طرف محقق عراقی مطرح شده، یک وجه از طرف مرحوم آیت الله بروجردی ارائه شده و یک وجهی را هم امام (ره) ذکر کرده که ان شاء الله بعد از تعطیلات عید به این وجه هم اشاره و آنها را مورد بررسی قرار خواهیم داد و بعد از آن حق در مسئله و در پایان هم ادله قول به صحیح و اعم را که تنمیه بحث صحیح و اعم است بیان خواهیم کرد.

تذکر اخلاقی: رضا و غضب فاطمه (س) تا روز قیامت میزان است.

به مناسبت فرا رسیدن ایام فاطمیه روایتی را خدمت دوستان عرض می‌کنیم. اهمیت این ایام اقتضاء می‌کند خودمان را به ذکر و یاد حضرت فاطمه زهرا (س) متبرک کنیم که این ذکر و یاد قبل از آن که نفعی برای آن وجود مقدس داشته باشد که ندارد

از جهات مختلفی برای خود ما نافع است. وجود مقدس صدیقه طاهر (س) وجودی است که پیامبر (ص) درباره ایشان می‌فرماید: «اعزّ الناس علیّ»؛ عزیزترین مردم برای من فاطمه (س) است.

حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «فاطمة بضعة منی من سرّها فقد سرّنی و من سائها فقد سائنی، فاطمة اعزّ الناس علیّ».^۱ این مضمون در بین روایات متواتر است یعنی هم در جوامع روایی شیعه و هم در جوامع روایی اهل سنت ذکر شده است. اساس این مسئله چند بُعد دارد که یک وجه آن مربوط به زمان حیات حضرت فاطمه زهرا (س) می‌باشد، یعنی پیامبر اکرم (ص) قبل از رحلت یک راهی را برای مردم در زمان حیات صدیقه طاهره (س) معلوم کردند که مواظب باشند کاری از آنها سر نزنند که قلب مقدس حضرت فاطمه (س) آزرده شود، تاریخ گواه است که چه کسانی باعث شادمانی حضرت زهرا (س) شده‌اند و چه کسانی قلب ایشان را آزرده‌اند و حساب کسانی که عزیزترین شخص نزد پیامبر (ص) را آزرده‌اند با خداوند تبارک و تعالی است و خداوند متعال آنها را روز محشر مورد توبیخ و عقاب قرار خواهد داد و این اشخاص نخواهند توانست از مواقف سخت محشر عبور کنند و مؤاخذه سختی در انتظار آنها خواهد بود، چون غضب فاطمه زهرا (س) غضب پیامبر (ص) را و غضب پیامبر (ص) هم غضب خداوند تبارک و تعالی را به دنبال دارد.

این یک قاعده و قانونی است که تا روز قیامت جریان دارد و محدود به زمان حیات فاطمه زهرا (س) نبوده بلکه زمان بعد از حیات ایشان را شامل می‌شود، یعنی همه ما می‌توانیم قلب مقدس فاطمه زهرا (س) را مسرور کنیم که خوشحالی ایشان سرور حضرت ختمی مرتبت و به دنبال آن سرور خداوند تبارک و تعالی را در پی خواهد داشت و کسی که موجب نارضایتی حضرت فاطمه (س) گردد نارضایتی پیامبر (ص) و نارضایتی خداوند را فراهم کرده است که قهراً این نارضایتی عذاب و عقاب الهی را به دنبال خواهد داشت. پس رضایت و عدم رضایت وجود مقدس حضرت فاطمه زهرا (س) به دلایل محکم و متقن تا روز قیامت جاری است، صدیقه طاهره وجودی است که حیّ است و ناظر بر اعمال و کردار و گفتار ما است. همه ما معتقدیم وجودات معصومین (ع) ناظر بر اعمال ما هستند و ما در امور مربوط به دین و دنیای خود از آنها استمداد می‌جوئیم و آنها پاسخ ما را می‌دهند کما اینکه در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم «تسمعون کلامی و تردّون سلامی»، پس در اینکه وجود مقدس حضرت زهرا (س) حیّ است و روح ایشان و فرزندان ایشان در این عالم جاری و ساری است هیچ شکی نیست لذا باید توجه داشته باشیم که سرور و غضب حضرت زهرا (س) آثاری متناسب با خودش را به دنبال دارد و ما سعی کنیم کاری را انجام دهیم که موجبات خشنودی و رضایت حضرت زهرا (س) و فرزند ایشان امام عصر (عج) را فراهم آورد که شادی قلب این دو بزرگوار شادی قلب پیامبر (ص) و سایر ائمه (ع) و بعد از آن رضایت خداوند تبارک و تعالی را به دنبال خواهد داشت.

پس روایتی که ذکر شد فقط مربوط به زمان حیات حضرت فاطمه زهرا (س) نبوده بلکه هم زمان حیات ایشان و هم زمان‌های بعد را تا روز قیامت شامل می‌شود و این خودش یک میزانی است برای سنجش خودمان که بفهمیم آیا در مسیر

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۳، حدیث ۱۷.

رضایت حضرت فاطمه زهرا (س) حرکت می‌کنیم یا نه، بنابراین باید ببینیم چه کاری مرضی آن وجود مقدس و چه کاری مغضوب ایشان است، این ایام (فاطمیه) هم فرصتی است که تلاش بیشتری در جلب رضایت حضرت فاطمه زهرا (س) صورت گیرد و الا منحصر به این ایام نیست لذا باید سعی شود مجالس عزاداری هر چه با شکوه‌تر از قبل برگزار شود و البته باید مصالحی که باعث وحدت مسلمین می‌شود رعایت شود و به گونه‌ای نباشد که باعث تشدید اختلاف بین امت اسلامی گردد، یعنی با رعایت آن مصالح باید وجود مقدس حضرت زهرا (س) به گونه‌ای معرفی شود که باعث جذب بیشتر مسلمین از فرق مختلف به مذهب اهل بیت (ع) شود. گاهی از اوقات مسائلی مشاهده می‌شود که نه تنها کمکی به جذب مسلمین نمی‌کند بلکه موجب ایجاد اختلاف بیشتر می‌شود، پس هیچ منافاتی ندارد که مصائب حضرت زهرا (س) گفته شود اما در عین حال آن مصالح کلی هم رعایت شود. بزرگانی هم که به تکریم و بزرگداشت ایام فاطمیه تأکید کرده و می‌کنند در عین حال بر رعایت مصالح کلی و جلوگیری از تشدید اختلاف بین مسلمین تأکید دارند که مبدا این عزاداری‌ها موجب سوء استفاده دشمن و ایجاد جنگ فرقه‌ای و مذهبی بین مسلمین گردد لذا همان طور که عاشورا به یک نقطه وفاق تبدیل شده فاطمیه هم می‌تواند یک نقطه‌ای برای وفاق باشد، یعنی هم باعث ترویج مکتب اهل بیت (ع) باشد و هم وحدت و وفاق بین مسلمین بیش از پیش حفظ گردد. فکر نکنید لعن و طعن به دیگران لزوماً باعث سرور قلب مقدس حضرت زهرا (س) می‌شود بلکه سرور قلب ایشان به تکریم ایشان و بیان فضائل آن حضرت، همچنین به تکریم وجود مقدس حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) فرزند ایشان است و اینکه انسان در مسیری گام بگذارد که باعث پیوند بیشتر مسلمین با اهل بیت (ع) گردد.

«والحمد لله رب العالمین»